



در صفحه ۳

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت)
به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر
خجسته باد اول ماه مه
روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر
علیه تمام نظم سرمایه‌داری

وقتی که ارتجاع، صدای پای انقلاب را می‌شنود

کشور خواستار استعفاى خامنه‌ای شدند. طومار بلند بالائی هم از امضاها در تانید آن انتشار یافت. هنوز چند روزی از آن رویداد نگذشته بود که طرح گذار از جمهوری اسلامی به موضوع داغ روز تبدیل شد. پشت سر آن شعار نه به جمهوری اسلامی مد روز شد. هیاهوی جدیدی به راه افتاد و گروه بزرگی از مرتجعین به اردوی نه پیوستند. آنقدر بازار آن رونق گرفت که

در صفحه ۸

طوفان انقلاب هر لحظه نزدیکتر می‌شود. همه به این باور رسیده‌اند که طوفان قریب‌الوقوع است. مرتجعین نیز که صدای پای انقلاب را شنیده‌اند برای مقابله با طوفانی که هست و نیست آن‌ها را نابود خواهد کرد به تکاپو افتاده‌اند. هفته‌ای نمی‌گذرد که معرکه جدیدی را برپا نکنند، نسخه‌های جدید و رنگارنگ برای عبور از بحران نیچند.

مدتی پیش بود که گروهی با ادعای نجات مردم و

پیک چهارم، بحران در مدیریت کرونا

وضعیت های متفاوت برای توده های مردم ایران که روزانه بیش از ۲۵ هزار نفر به کوید ۱۹ مبتلا می شوند و بیش از ۴۰۰ نفر نیز به صورت روزانه در مسلخ کرونا قربانی می شوند، دیگر رنگی ندارد. چرا که اکنون سراسر کشور یکسره "سیاه" و سیاه پوش است. آنچه این روزها مردم ایران بدان گرفتار شده اند، شرایط مرگباری است که با سرعتی بالا بر جان و زندگی توده های مردم ایران آوار شده است. طبق آخرین بیانیه وزارت بهداشت، در ۲۹۵ شهر ایران یکسره سیاهی و مرگ جاریست، ۹۹ شهر نارنجی هستند و ۴۵ شهرستان هم در وضعیت زرد قرار دارند. شهرها و مناطقی که

در صفحه ۴

موج چهارم کرونای جهش یافته، سراسر کشور را فرا گرفته و بیشترین شهرهای ایران در وضعیت قرمز هستند. وزارت بهداشت که هفته پیش وضعیت ۲۹۵ شهر را قرمز اعلام کرده بود، طی بیانیه ای در روز جمعه ۲۷ فروردین اعلام کرد، از میان ۲۹۵ شهری که در وضعیت "قرمز" بودند، اکنون ۶۳ شهر در وضعیت "سیاه" قرار گرفته اند. ستاد مقابله با کرونا اما با کمی تعدیل، وضعیت این ۶۳ شهر را نه "سیاه" که فراتر از قرمز خوانده است.

شرایط سخت و مرگبار این تعداد از شهرهای ایران چه طبق نظر وزارت بهداشت قرمز و "سیاه" باشد و چه بر اساس گفته ستاد ملی مقابله با کرونا، "قرمز و فراتر از قرمز"، بیان این

جنگ پنهان و آشکار جمهوری
اسلامی و اسرائیل و
نتایج آن برای مردم ایران

روز یکشنبه ۲۴ فروردین انفجاری در سایت هسته‌های نطنز رخ داد که اطلاعات دقیق و قابل اتکایی از چگونگی این انفجار از سوی مقامات جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل که عامل این انفجار محسوب می‌شود، ارائه نشده است. انفجاری که به نوشته‌ی نشریه "نیویورک تایمز" که مقاله آن توسط یکی از مقامات سابق "موساد" نوشته شده، ۹ ماه برنامه‌های اتمی ایران را عقب انداخته است.

جدا از سکوت همیشگی مقامات رسمی دولت اسرائیل در این‌گونه موارد، اگرچه مقامات وزارت خارجه و سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی از انفجاری که سبب قطع برق سایت نطنز و در پی آن خرابی سانسورفیوژها خبر دادند، اما سخنان برخی دیگر از مقامات جمهوری اسلامی، سوالاتی را درباره‌ی ابعاد و چند و چون این ماجرا بوجود آورد. یک نمونه کوچک از این تناقض‌گویی‌ها سخنان صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی بود که به فاصله‌ی کوتاهی پس از این انفجار از راه افتادن برق اضطراری سایت خبر داد، اما فریدون عباسی نماینده مجلس اسلامی و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی یک روز بعد گفت در اثر انفجار برق اصلی و اضطراری سایت از بین رفته است.

البته نباید از یاد ببریم که معمولاً دولت‌های سرمایه‌داری در چنین شرایطی اطلاعات درستی منتشر نمی‌کنند، تا چه رسد به دولت‌های ایران و اسرائیل که در محرمانه نگه‌داشتن فعالیت‌های نظامی خود شهره هستند. رویارویی‌های نظامی آشکار و پنهان دولت‌های اسرائیل و ایران در طول سالیان گذشته نمونه روشنی از این پنهان‌کاری‌های دوجانبه است. از یکسو دولت اسرائیل به دلایل سیاسی عموماً مسئولیت اقدامات خود در خارج از مرزهای اسرائیل را برعهده نمی‌گیرد و از سوی دیگر دولت ایران نیز به دلیل این‌که وقوع این حوادث نشان‌گر ناتوانی رژیم و حتا پوسیدگی نظم سیاسی حاکم است، جزئیات اتفاقات را پنهان نگاه داشته و گاه با دستگیری افرادی که هیچ نقشی در آن ندارند، سعی می‌کند ضعف‌های خود را پوشش و خود را قدرتمند جلوه دهد.

اعدام مجید جمالی فشی به اتهام واهی ترور مسعود علی‌محمدی از متخصصان هسته‌ای رژیم یک نمونه است. افشاکاری‌های مازیار ابراهیمی که در زیر شکنجه مجبور شده بود بسیاری از قتل‌ها و اقدامات دولت اسرائیل در ایران را برعهده بگیرد و در نتیجه‌ی همین اعترافات مانند مجید جمالی فشی در خطر اعدام بود، نمونه‌ای زنده و به یادماندنی از روش مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در پرونده‌سازی برای پوشاندن ضعف‌ها و ناتوانی‌های

در صفحه ۲

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت اول مه

علیه سرمایه‌داری، زنده باد انقلاب کارگری!

در صفحه ۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

جنگ پنهان و آشکار جمهوری اسلامی و اسرائیل و نتایج آن برای مردم ایران

رژیم در مقابله با دولت اسرائیل است. انفجار اخیر در نطنز اما به نظر می‌آید که بیش از گذشته برای جمهوری اسلامی گران تمام شده است. انتشار عکس یک نفر به عنوان عامل انفجار و واکنش‌های متعدد و گاه عجیب مقامات دولتی به این مساله و گرفتن انگشت اتهام به سوی یکدیگر از جمله نشانه‌های این موضوع هستند.

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت و فرمانده سپاه پاسداران در دوران جنگ هشت ساله، در گفتگو با خبرگزاری مهر در روز چهارشنبه ۲۵ آوریل گفت: "کشور به طور گسترده یک آلودگی امنیتی پیدا کرده است و نمونه آن این است که کمتر از یک سال، سه رویداد امنیتی اتفاق افتاده است؛ دو انفجار و یک ترور.... قبل از این، از اسناد به کلی سری هسته‌ای ما سرقت شده است و قبل از آن چند ریز پرنده مشکوک آمدند و کارهایی انجام دادند. پس معلوم است آلودگی امنیتی پیدا کرده‌ایم... حادثه نطنز حادثه بسیار بدی بود و از نظر حیثیتی رخداد بدی بود."

علیرضا زاکانی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی نیز در برنامه تلویزیونی جهان‌آرا در شبکه افق (دوشنبه ۲۳ فروردین) با بیان این‌که "روز یکشنبه نمایندگان مجلس در جلسات کمیسیون‌های مختلف خون‌گرمی می‌کردند"، گفت: "بخش عمده‌ای از امکانات غنی سازی ما از بین رفته است... اینجا بهشت جواسیس است جاسوس‌ها در اینجا دارند جولان می‌دهند". وی همچنین وعده صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی مبنی بر جانشینی سریع سانتریفیوژهای از بین رفته با سانتریفیوژهای پیشرفته را "وعده‌ای نادرست" دانست.

فریدون عباسی رئیس کمیسیون انرژی مجلس اسلامی و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی نیز یک روز بعد از انفجار در سخنانی که خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران آن را بازتاب داد، گفت: "طراحی دشمن خیلی قشنگ بوده... آن‌ها فکر کردند و متخصصان خود را به کار گرفتند و به گونه‌ای صورت گرفته است که هم از سیستم توزیع برق آسیب ببیند و هم کابلی که از سوی باطری‌ها می‌آید... دکل‌ها و کابل‌های برق را با مواد منفجره قطع کردند و نفوذی‌ها در داخل از قسمت‌هایی که دوربین نبوده، آن بخش باطری‌ها را منفجر کردند."

در این میان یکی از جدل‌های مقامات دولتی این است که چه ارگانی مسئول این "حفره بزرگ امنیتی" است. فلاح‌پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در مجلس دهم علت این انفجار را "نتیجه بی‌کفایتی در بحث امنیتی تأسیسات هسته‌ای" دانست. اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی نیز گفت: "باید بررسی شود و دستگاهی که مسئول بوده جلو اقدامات دشمن را بگیرد و در این زمینه توفیقی به دست نیاورده، بازخواست شود". اشاراتی که انگشت را به سوی سپاه پاسداران نشانه می‌رود. اما در طرف مقابل برای نمونه وب‌سایت مشرق نوز وابسته به سپاه پاسداران وزارت اطلاعات را نشانه رفته و نوشت: "چرا حفاظت سازمان انرژی هسته‌ای این چنین بی‌مسئولیت عمل می‌کند که دقیقاً از یک سوراخ، دوبار گزیده می‌شویم؟"

واقعیت اما این است که نه دوبار که چندین و چندبار "موساد" توانسته است با بهره‌گیری از نیروهای

خود به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی آسیب برساند. انفجار انبار موشکی جمهوری اسلامی در بیبگنه و کشته شدن حسن طهرانی مقدم، سرقت لپ‌تاپ حاوی برنامه‌های نظامی هسته‌ای جمهوری اسلامی، آلودکردن مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی با ویروس "استاکس‌نت"، سرقت و انتقال هزاران سند (از جمله سی دی) از برنامه‌های هسته‌ای ایران به اسرائیل، ترور چندین مقام و متخصص برنامه‌های هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی که آخرین آن فخرزاده بود، انفجار مرکز تحقیقات و ساخت موشک با سوخت جامد و مایع در منطقه خجیر (در منطقه کوهستانی دماوند) در تیرماه سال گذشته و بالاخره دو انفجار در سایت نطنز یکی در تابستان گذشته و دیگری در فروردین ماه سال جاری بخشی از اقدامات موساد است که جمهوری اسلامی با این همه دستگاه امنیتی و هزینه‌های گزاف برای این نیروهای مفت‌خور حتماً نتوانسته است در یک مورد عوامل موساد در ایران را دستگیر کند و یا عملیات آن در ایران را پیش از وقوع خنثا کند.

ترور محسن فخرزاده، انفجار مرکز ساخت موشک در خجیر و دو انفجار اخیر در نطنز در کمتر از یک‌سال نشان می‌دهد که تمام ادعاهای رژیم مبنی بر احاطه بر امور امنیتی حرفی پوچ است. جدا از این گسترش عملیات موساد در ایران و استفاده از امکاناتی گسترده نشان می‌دهد که تا چه حد پوشیدگی نظم حاکم حتماً به حساس‌ترین و مهم‌ترین بخش‌های حکومت یعنی بخش‌های امنیتی و نظامی رژیم رسیده است.

اما جدا از این، موضوع مهم دیگری که بویژه برای کارگران و زحمتکشان جامعه مهم است، خطرانی است که تقابل دولت‌های اسرائیل و ایران برای مردم ایران می‌تواند بیار آورد، تقابلی که در سال‌های اخیر و بدنبال گسترش سیاست‌های ماجراجویانه جمهوری اسلامی در منطقه بر ابعاد آن افزوده شده است و نه فقط چشم‌اندازی برای کاهش این تقابل و جنگ پنهان و آشکار دو دولت وجود ندارد، بلکه خطر افزایش آن مردم ایران را تهدید می‌کند که شاید یکی از کم‌اهمیت‌ترین‌های آن آلودگی‌های هسته‌ای ناشی از این انفجارات است.

جنگ پنهان و آشکار دولت صهیونیستی اسرائیل و دولت شبه فاشیستی جمهوری اسلامی از سوریه تا دریاهای و تا مراکز نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. در سوریه شاهد بمباران مداوم مراکز نظامی وابسته به جمهوری اسلامی از سوی دولت اسرائیل هستیم که تاکنون منجر به از بین رفتن تجهیزات نظامی و کشته شدن تعداد قابل توجهی از شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی شده است، حملاتی که جمهوری اسلامی تاکنون بی‌پاسخ گذاشته است.

در روزهای گذشته همچنین شاهد حمله سپاه پاسداران به کشتی‌های تجاری اسرائیل و حمله نیروهای نظامی اسرائیل به کشتی "ساویز" متعلق به سپاه در دریای سرخ بودیم. براساس اخبار منتشره در طی دو سال گذشته حداقل ۱۲ کشتی متعلق به جمهوری اسلامی (نفتکش و یا تجاری) از جمله نفتکش "سابیتی" و کشتی "کانکینزبر" شهرکرد در دریای سرخ و مدیترانه توسط نیروی دریایی و یا هوایی اسرائیل مورد حمله قرار گرفته‌اند. یکی از اهداف دولت اسرائیل از این حملات ایجاد مانع برای صادرات نفت به سوریه است. سپاه پاسداران نیز در طول این مدت به سه کشتی تجاری اسرائیل حمله کرده است که اولین آن ۸ اسفند سال گذشته در آب‌های دریای عمان بود و

آخرین آن ۲۴ فروردین ۱۴۰۰ در نزدیکی بندر الفجیره امارات.

اما مساله این است که ابعاد و گستره‌ی این جنگ پنهان و آشکار به دلایلی می‌تواند تشدید شود. برای نمونه اقدام جمهوری اسلامی برای غنی‌سازی ۶۰ درصدی بهانه‌ی دیگری به دولت اسرائیل برای انجام عملیاتی علیه اهدافی نظامی و هسته‌ای در ایران داده است. استفاده از خاک یمن برای حمله موشکی و پهبادی به اسرائیل یک احتمال دیگر است که می‌تواند گستره‌ی این درگیری‌ها را افزایش دهد. واقعیت این است که برای جمهوری اسلامی مواعی برای استفاده از خاک سوریه، لبنان و فلسطین (نوار غزه) برای حمله به اسرائیل وجود دارد. در سوریه سیاست و نقش دولت روسیه که دست بالا را در آنجا دارد مانعی غیرقابل عبور برای جمهوری اسلامی است. در لبنان نیز به دلیل وضعیت سیاسی و تنش‌های آن این امکان از جمهوری اسلامی گرفته شده است و در غزه نیز این امکان بسیار محدود است.

سخنان اخیر وزیر خارجه اسرائیل در قبرس و جلسه کابینه اسرائیل برای بررسی اقدامات بیشتر علیه دولت ایران با حضور مقامات نظامی و امنیتی، اگرچه چیز جدیدی نیست اما حاکی از امکان تشدید درگیری بین دو دولت ارتجاعی اسرائیل و ایران است. این مساله بویژه با توجه به شرایط حساس کنونی و مذاکرات هسته‌ای در وین اهمیت فزاینده‌ی می‌یابد، همان‌طور که اساساً حمله اخیر به سایت هسته‌ای نطنز به دلیل همین شرایط بیش از تمام اقدامات گذشته "موساد" انعکاس یافت. این مساله به گونه‌ای بود که رسانه‌های غربی انفجار اخیر در سایت هسته‌ای نطنز را پیام دولت اسرائیل به آمریکا ارزیابی کردند و این که دولت اسرائیل می‌خواست با این اقدام نشان دهد که اگر توافقی فراتر از برجام صورت نگیرد به اقدام مستقل روی خواهد آورد. واقعیت این است که برقراری ارتباط دیپلماتیک برخی دول عربی با اسرائیل و بحرانی‌تر شدن روابط این دولت‌ها با جمهوری اسلامی شرایط را از این نظر نیز برای دولت اسرائیل فراهم‌تر ساخته است.

اقدامات هسته‌ای و برنامه‌های موشکی دولت جمهوری اسلامی هیچ ربطی به منافع و خواست کارگران و زحمتکشان ندارد. این سیاست‌ها تاکنون حداقل ده‌ها میلیارد دلار هزینه بر دوش کارگران و زحمتکشان انداخته است. مردمی که از ابتدای‌ترین امکانات درمانی محروم هستند و در برابر ویروس کرونا بی‌سلاح رها شده‌اند. مردمی که دستمزد، حقوق و یا مستمری آن‌ها حتماً کمتر از یک سوم خط فقر است، مردمی که از هر گونه آزادی سیاسی محروم هستند، مردمی که در اعتراض به این وضعیت روزانه در اعتراض هستند و قیام پرشکوه آبان ۹۸ را برپا کردند. این مردم نه تنها منافی در برنامه‌های هسته‌ای و موشکی دولت جمهوری اسلامی ندارند بلکه شدیداً مخالف آن هستند. این سیاست جمهوری اسلامی علاوه بر هزینه‌هایی که تاکنون به مردم تحمیل کرده است، می‌تواند در صورت ادامه این روند خطرات بزرگ‌تر و بیشتری برای کارگران و زحمتکشان بیار آورد. واقعیت این است که تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی این سیاست‌ها می‌تواند به پایان برسد. اما سرنگونی جمهوری اسلامی اگرچه شرط ضروری آن است اما کافی نیست. تنها با جایگزینی حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، می‌توان به آینده‌ای روشن، برابری، آزادی، رفاه و صلح برای مردم ایران امیدوار بود.



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر خجسته باد اول ماه مه روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه تمام نظام سرمایه‌داری

رفقای کارگر!

اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران فرارسیده است. در اول ماه مه، پرچم‌های سرخ کارگری در اقصا نقاط جهان به اهتزاز درمی‌آیند و ضرورت به گور سپردن نظم پوسیده سرمایه‌داری را که مدت‌هاست دوران آن به سر آمده، یادآوری می‌کنند. گرچه پاندومی مرگبار کرونا برای دومین سال پیاپی موانعی جدی بر سر راه حضور گسترده کارگران در خیابان و تظاهرات و راهپیمایی به وجود آورده است، اما میلیون‌ها کارگر در سراسر جهان چرخ‌های تولید را متوقف می‌سازند، با شور و حرارت به استقبال اول ماه مه می‌روند و در اشکال و شیوه‌های گوناگون، اراده واحد خود برای براندازی نظم سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم را به نمایش می‌گذارند.

اول ماه مه در شرایطی فرامی‌رسد که جهان سرمایه‌داری با بحران‌های عمیق اقتصادی-سیاسی و اجتماعی روبروست. سرمایه‌داری جهانی نه فقط هنوز نتوانسته به شرایط پیش از بحران عمیقی که سال ۲۰۰۷ آغاز شد بازگردد، بلکه ادامه و تشدید بحران بیش‌ازپیش ناتوانی و ورشکستگی این نظام را به نمایش گذاشت تا آنجا که حتی در مقابل یک ویروس و بیماری ناشی از آن نیز به‌زانو درآمد. میلیون‌ها انسان بی‌دفاع را، سرمایه‌داری به کام مرگ فرستاد. ده‌ها میلیون تن، کار خود را از دست دادند. طبقه سرمایه‌دار حتی در بحبوحه انباشت کشته‌ها در شهرها و بیمارستان‌ها، از انباشت سرمایه غافل نبود و بر سود خود افزود. بهداشت و درمان و دارو و واکسن و جان انسان، یکسره ابزار سود ورزی و انباشت سرمایه شد. اولویت سود و سرمایه بر سلامت و بهداشت انسان‌ها، بار دیگر ماهیت ضد انسانی نظام سرمایه‌داری را در برابر چشم جهانیان قرارداد. بحران کرونا، ورشکستگی و پوسیدگی نظام کثیف بهره‌کشی و ضرورت براندازی آن و استقرار نظامی نوین و سوسیالیستی را عیان‌تر ساخت.

رفقا و هم‌زمان!

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اوضاع به‌مراتب وخیم‌تر است. طبقه کارگر ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رود که زیر شدیدترین فشارها و تنگنای اقتصادی و معیشتی قرار دارد. بحران اقتصادی پیوسته عمیق‌تر شده و تمام بار آن بردوش کارگران قرار گرفته است. دستمزدهای بسیار اندک و ناچیز، گرانی سرسام‌آور کالاهای حیاتی موردنیاز مردم، فقر شدید و فزاینده، بیکاری و بیماری، کارگران و عموم توده‌های زحمتکش را به ستوه آورده است. درحالی‌که کارگران به‌شدت و بی‌رحمانه استثمار می‌شوند اما اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. چند میلیون نفر تنها به خاطر کرونا کار خود را از دست داده‌اند که از هرگونه حمایت دولتی محروم‌اند. افزون بر تمام فشارهای اقتصادی، هم‌گیری بیماری کرونا روزگار مردم را سیاه کرده است. سیاست‌های ارتجاعی و ضد مردمی دولت حاکم در قبال کرونا، دروغ‌پردازی‌ها، کتمان واقعیت، سهل‌انگاری‌ها، رهاسازی عامدانه توده مردم به حال خود، بی‌توجهی مطلق به جان و سلامت مردم، فاجعه بسیار بزرگی را برای کارگران و دیگر اقشار مردم زحمتکش در سراسر کشور رقم زده است. جمهوری نکبت‌بار اسلامی که حتی پیش از کرونا در میان کارگران و توده‌های مردم زحمتکش ایران، یک رژیم سرتاپا فاسد، رسوا، مفتضح و جنایت‌کار و مورد نفرت و انزجار آن‌ها بود، با کرونا و عملکرد مجرمانه و جنایت‌کارانه‌اش در قبال آن، مفتضح‌تر و رسواتر شد. رژیمی که تاکنون ده‌ها هزار تن را به کام مرگ فرستاده، صدها هزار تن دیگر را به بیماری کرونا دچار ساخته، روزانه بیش از ۳۰۰ نفر را به قربانگاه کرونا می‌فرستد و میلیون‌ها تن دیگر را نیز بی‌هیچ‌گونه اقدام پیشگیرانه‌ای در یک‌قدمی خطر مرگ وانهاده است.

رفقا و هم‌زمان!

کارگران ایران تنها با خطر مرگ ناشی از بیماری کرونا و تنها با فقر، گرسنگی، بیکاری و استثمار بی‌رحمانه روبرو نیست. دیکتاتوری عریان و استبداد سیاسی طبقه سرمایه‌دار حاکم، کارگران را از ابتدائی ترین حقوق انسانی و آزادی‌های سیاسی از جمله حق ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی خود محروم ساخته است. اعتصابات، تجمعات و اعتراضات کارگری ولو به خاطر خواست‌های صنفی و اقتصادی، با سرکوب، بازداشت، زندان، اخراج و حتی شلاق پاسخ می‌گیرند. همه‌جا کارگران پیشرو و فعالان کارگری و سندیکایی در معرض ارباب و پیگرد دستگاه پلیسی قرار دارند. پرونده‌سازی‌های امنیتی و قضایی علیه کارگران آگاه، به امر عادی و روزمره تمام سرمایه‌داران و دولت آن‌ها تبدیل شده است. علی‌رغم تمام این اقدامات سرکوبگرانه و محدودیت‌های کرونائی، مبارزات کارگری در اشکال متنوع و گوناگون فزونی گرفته‌اند. صدها اعتصاب و تجمع و راهپیمایی در صنایع و رشته‌های گوناگون از جمله در راه آهن، برق، مخابرات، حمل‌ونقل جاده‌ای و شهری، شهرداری‌ها، پتروشیمی‌ها، کشت و صنعت‌ها، معادن، فولاد، نوب آهن، نفت و گاز و حفاری گویای همین واقعیت است. اعتراضات و اعتصابات هماهنگ فرا واحدی و فرامحلی درحال افزایش است. اعتصاب فراگیر کارگران صنعت نفت و گاز و پتروشیمی در مرداد سال ۹۹ که در آن کارگران ده‌ها پالایشگاه و پتروشیمی و شرکت‌های نفت و گاز و حفاری به‌طور هم‌زمان دست از کار کشیدند، از برجسته‌ترین اعتصابات فرا واحدی و فرامحلی و رشته‌ای است که جهت‌گیری و سیر تکاملی جنبش طبقه کارگر از اعتصابات تک‌واحدی و پراکنده به سمت اعتصابات هماهنگ رشته‌ای را ترسیم نمود. در برق نیز اعتراضات سراسری درحال بازتولید است. بازنشستگان تأمین اجتماعی و معلمان نیز بارها در شکل سرتاسری دست به اعتراض زده‌اند.

تجربه جنبش طبقه کارگر در دو سال اخیر این واقعیت را اثبات می‌کند که افزون بر خواست‌های متعدد اقتصادی و صنفی، خواست‌های سیاسی طبقه کارگر نیز در این مبارزات پررنگ بوده‌اند. آزادی تشکل مستقل و تجمع، پایان دادن به فضای امنیتی در محیط‌های کار، لغو احکام قضایی و پایان دادن به پرونده‌سازی‌های امنیتی علیه کارگران، بازگشت به کار کارگران اخراجی و لغو خصوصی‌سازی از جمله خواست‌هایی هستند که تقریباً در هر اعتصاب و اعتراض کارگری بر زبان کارگران جاری شده‌اند و بدین اعتبار خصلت سیاسی و ضد دولتی مبارزات کارگری تقویت شده است. بنابراین سرکوب و تهدید و اخراج و زندان، نه توانسته است کارگران و اعتصابات و مبارزات کارگری را از صحنه خارج سازد و نه حتی توانسته است کم و کیف این مبارزات و مطالبات کارگران را تنزل دهد.

رفقای کارگر!

این واقعیت امروز بر همگان آشکار شده که خیزش بزرگ دی‌ماه ۹۶ بر یک دوران رکود سیاسی نقطه پایان گذاشت و آغازگر یک دوران پرتلاطم سیاسی، یک دوران انقلابی شد. در تمام این دوران، مبارزات توده‌ای و اعتصابات کارگری علی‌رغم افت‌وخیزها و موانع بزرگی که کرونا ایجاد کرد، بی‌وقفه ادامه داشته و با رشد اشکال فراگیر و سراسری توأم بوده است. مبارزات مستقیم و علنی و حتی تعرضی درحال افزایش بوده است. قیام سراسری آبان ۹۸ به‌روشنی نشان داد که در تحت شرایطی که تضاد میان بالائی‌ها و پائینی‌ها حاد شده و به نقطه سنیز رسیده است هر رویداد بزرگ یا کوچکی می‌تواند به انفجاری بزرگ فراروید و اعتراضات گسترده توده‌ای را شعله‌ور سازد. "پیکار کف خیابان، چه دی باشه چه آبان" فقط یک شعار نبوده است. امروز علاوه بر کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کشاورزان نیز وارد خیابان شده‌اند. شعار "نان، کار، آزادی- اداره شورایی" که پرچم آن را بخش پیشرو طبقه کارگر برافراشت، در تمام طول این سال‌ها نه فقط در رأس مطالبات طبقه کارگر بوده بلکه به شعار و خواست عموم زحمتکشان نیز تبدیل شده است. توده‌های زحمتکش و تهیدست جامعه که آبان ۹۸ با جسارت و قهرمانی و از خودگذشتگی وارد عرصه نبرد رویاروی با رژیم حاکم شدند، به مراکز ستم و سرکوب و نهادهای مذهبی و مؤسسات مالی طبقه سرمایه‌دار حاکم پورش بردند و آن را به آتش کشیدند، به آشکارترین شکلی نه فقط نفرت و انزجار عمیق خود از حکومت مذهبی و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، بلکه نفرت از تمام نظم

پیک چهارم، بحران در مدیریت کرونا

۳۰ فروردین ۱۴۰۰ شماره ۹۱۶

۴

طبق مصوبه ستاد ملی مبارزه با کرونا، از روز شنبه ۱۴ فروردین، مسافرت و یا ورود و خروج به شهرهای قرمز و نارنجی ممنوع اعلام شده است. در کنار ۴۲۹ شهری که با رنگ سیاه و قرمز و نارنجی و زرد مشخص شده اند، فقط ۹ شهرستان در وضعیت آبی قرار دارند. در این میان، وضعیت تهران با داشتن بیش از ۱۳۰ کشته در روز و بستری شدن روزانه بیش از ۱۵۰۰ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹، آنچنان وخیم و مرگبار است که مینو محرز، عضو ستاد علمی مبارزه با کرونا از یک هفته پیش وضعیت تهران را "سیاه" اعلام کرده است.

آنچه پیک چهارم کرونا را نسبت به سه موج پیشین آن متفاوت کرده است، سرعت انتقال، گسترش سریع و شیب تند مرگ و میر روزانه مبتلایان کووید ۱۹ است. سرعت انتقال و ابعاد گسترده کرونای جهش یافته انگلیسی به حدی بالاست که به مدت یک هفته، آمار رسمی جانبی‌خاک‌گرا از ۷۰ نفر در روز به بیش از ۳۰۰ نفر در روز گزارش شد و تعداد مبتلایان روزانه نیز از ۷ هزار نفر به بالای ۲۵ هزار نفر در روز رسیده است. وضعیتی بسیار سخت و کشنده که به اعتراف حسن روحانی در روزها و هفته‌های پیش رو، موج چهارم کرونا از آنچه هست، "بلندتر و سخت‌تر" هم خواهد شد. وضعیتی که هم‌اینک در گزارش‌های وزارت بهداشت منعکس است.

بر اساس اطلاعیه رسمی وزارت بهداشت، آمار جانبی‌خاک‌گرا در روز جمعه ۲۷ فروردین، ۳۲۸ نفر اعلام شده است؛ که در مقایسه با روز چهارشنبه با یک افزایش ۲۴ نفری، رکورد تازه ای برجای گذاشت. البته تعداد جانبی‌خاک‌گرا در روز یکشنبه ۲۹ فروردین با برجای گذاشتن یک رکورد تازه، به ۴۰۴ نفر در روز افزایش یافت. آمار مبتلایان جدید کووید ۱۹ هم، ۲۵ هزار و ۲۶۱ نفر گزارش شده است که ۳ هزار و ۲۰۷ نفر از آنان در بیمارستان‌های کشور بستری شده‌اند. اعلام اینگونه آمارهای رسمی در شرایطی است که سازمان نظام پزشکی کشور و حتی کسانی که درون ستاد ملی مبارزه با کرونا، آمارهای دولتی را غیر واقعی دانسته و بارها اعلام کرده‌اند که تعداد واقعی کشته شدگان و مبتلایان روزانه ویروس کرونا ۲ تا ۳ برابر آمارهای رسمی اعلام شده توسط وزارت بهداشت است. در واقع آنچه باید بر آن صحنه گذاشت اجرای سیاست جنایتکارانه دولت جمهوری اسلامی مبنی بر "ایمنی گل‌های" است که حاصل آن در روزهای اخیر با قربانی شدن ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر در روز آشکار شده است. وضعیت مرگباری که همچنان در حال شتاب است و آنگونه که حسن روحانی و وزارت بهداشت اعلام کرده‌اند، با شدت‌گیری موج چهارم کرونا، آمار فوتی‌های روزانه کرونا در ایران به طور رسمی هم چهار رقمی خواهد شد. بالا رفتن سریع آمار مبتلایان و شیب تند مرگ و میر ناشی از اپیدمی کرونای جهش یافته، تنها یک سوی این معادله مرگبار در وضعیت کنونی

ست. طرف دیگر این معادله، آشکار شدن بحران در مدیریت کرونا است که این روزها در درون دولت و وزارت بهداشت بازتاب بیرونی یافته است. شیوع پیک چهارم کرونا، به نسبتی که موجب افزایش مرگ و میر و بالا رفتن سریع آمار مبتلایان کرونا در ایران شد، به درجه ای هم بر شکاف و بحران مدیریت کرونا در جمهوری اسلامی افزود. دامنه این بحران که در روزهای گذشته به صفحات روزنامه‌های حکومتی و رسانه‌های خبری کشیده شده است، از یک طرف شکاف میان وزارت بهداشت و حسن روحانی را بازتاب داده است و از طرف دیگر کشمکش‌ها و اختلافات درونی اعضای ستاد ملی مبارزه با کرونا را علنی کرد.

ماجرای روزهای پیش از تعطیلات نوروزی بر می‌گردد. به روزهایی که وزارت بهداشت و جامعه پزشکی ایران نسبت به شیوع ویروس کرونای جهش یافته به دولت هشدار دادند و خواستار ایجاد محدودیت‌های سفری و همچنین بستن مرزهای زمینی، هوایی و آبی کشور در ایام تعطیلات نوروزی شدند. با این همه و به رغم نگرانی‌های موجود، نه تنها مرزها، خصوصاً مرزهای زمینی ایران و عراق توسط دولت بسته نشدند، بلکه محدودیت‌های مسافرتی هم به طور واقعی ایجاد نگردید. نتیجه آن شد که با پایان تعطیلات نوروزی، به یکباره سراسر ایران با موج جدیدی از شیوع و گسترش اپیدمی کرونا مواجه شد. با بالا رفتن آمار مبتلایان، بیمارستان‌ها از بیماران حاد کرونایی پر شدند، تعداد زیادی از بیماران جدید در سالن‌ها و راهروی بیمارستان‌ها خوابانده شدند و اکنون کار به جایی رسیده است که پذیرش همه بیماران حاد کرونایی عملاً ناممکن شده است. در واقع یکی از دلایل بالا رفتن آمار کشته‌شدگان روزانه، پر شدن ظرفیت بیمارستان‌هاست، که کادر درمانی را در وضعیت ناچاری گزینش میان بیماران وخیم و وخیم‌تر قرار داده است.

با شکل‌گیری این وضعیت مرگبار، بحران در مدیریت کرونا نیز علنی شد. ابتداء، مسئولان بهداشتی روز سه شنبه ۱۷ فروردین، با صدور اطلاعیه‌ای کم‌سابقه، خواستار "دو هفته تعطیلی کامل سراسری" در کشور شدند. آنان در اطلاعیه خود هشدار دادند، اگر "بلافاصله" این تعطیلی کامل و سراسری دو هفته‌ای اجرا نشود، "حداقل ۲۰ هزار نفر" بر اثر ابتلا به کووید ۱۹ جان می‌بازند و آمار فوتی‌ها هم ممکن است به "بالای ۶۰۰ نفر" در روز برسد. اگرچه چند ساعت بعد، صدور این اطلاعیه و درخواست "دو هفته تعطیلی کامل سراسری" از طرف روابط عمومی معاونت وزارت بهداشت تکذیب شد، اما یک روز بعد، سیما سادات لاری، سخنگوی وزارت بهداشت با اعلام اینکه آمار فوتی‌ها در روزهای آتی به ۶۰۰ نفر در روز خواهد رسید، بر بحرانی بودن وضعیت موجود مهر تأیید زد. ایرج حریرچی، مدیر کل وزارت بهداشت نیز در یک برنامه تلویزیونی با تأکید بر افزایش فوتی‌های روزانه به بالای

۶۰۰ نفر اعلام کرد، افرادی در درون ستاد ملی مبارزه با کرونا هستند که نمی‌خواهند شرایط برای مردم بهتر شود. وقتی خبرنگار از او پرسید که این افراد چه کسانی هستند؟ اعلام کرد، از ذکر نام آنان معذور است.

با علنی شدن اختلافات در درون ستاد مدیریت کرونا، حسن روحانی در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا که ریاست آن را خود عهده دار است، گفت: ستاد ملی کرونا یک سخنگو دارد، نمی‌شود هرکسی در تلویزیون چیزی بگوید. در مبارزه با کرونا همه باید یک صدا باشیم. این سخنان حسن روحانی، واکنش وزیر بهداشت را برانگیخت. سعید نمکی در پاسخ به روحانی اعلام کرد: "در زمینه حرف غیر کارشناسی از محل مورد اعتماد کارشناسی مردم، اگر انتظار تک صدایی داریم، اشتباه است؛ من نمی‌توانم با سلامت مردم مصالحه کنم". سعید نمکی از موقعیت پیش آمده استفاده کرد و به سخنان پیشین روحانی که گفته بود، "ستاد ملی مبارزه با کرونا تصمیمی می‌گیرد، همه مسئول هستند و باید آن را اجرا کنند، گفت: "مصادیق را وزارت بهداشت تعیین می‌کند. اصلاً ستاد ملی مقابله با کرونا بدون مصادیق وزارت بهداشت معنایی ندارد. اصلاً ما بیرون می‌آییم، آن‌ها تصمیم بگیرند و به ما ابلاغ کنند. اینطور نمی‌توان مملکت را اداره کرد. ما در دام یکی از سهمگین‌ترین اپیدمی‌های این مملکت هستیم".

ماجرای اختلافات دورنی به اینجا که رسید، محمود واعظی، رئیس دفتر روحانی نیز وارد گود شد و در واکنش به سخنان سعید نمکی که پیش از این وزارت کشور را در بازگذاشتن مرزهای زمینی کشور مقصر دانسته بود، گفت: "نباید توفیقات را متعلق به یک دستگاه دانست و در زمان خیزش بیماری دستگاه‌های دیگر را مقصر خواند. مردم شاهد رفتارهای ما هستند و دوگانگی‌ها و ریاکاری‌ها را تشخیص می‌دهند".

به راستی ریشه بحران در مدیریت کرونا کجاست و چرا این بحران اکنون علنی شده است؟ اینکه گفته شود بحران موجود فقط محصول اوج‌گیری موج چهارم کرونا در ایران است، حرف دقیقی نیست. بحران موجود نتیجه شکست کل سیاست‌های کرونایی دولت جمهوری اسلامی در ۱۵ ماه گذشته است که اکنون با اوج‌گیری پیک چهارم به صورت علنی در درون وزارت بهداشت و ستاد ملی مبارزه با کرونا بازتاب یافته است.

در پیک‌های گذشته اپیدمی کرونا، توده‌های مردم ایران با آمار کشته‌شدگان بالاتر از امروز هم مواجه بوده‌اند. برای نمونه، آمار کشته‌شدگان رسمی کرونا در آبان ماه ۹۹، از میزان فوتی‌های روزهای اخیر هم بیشتر بود. در "دوشنبه‌های سیاه" آبان سال گذشته، بر اساس همان آمارهای رسمی و جعلی وزارت بهداشت، بیش از ۳۳۵ نفر در روز جان باختند. در آن روزها هم وضعیت همانند امروز آنچنان فاجعه‌بار بود، که وزیر بهداشت، معاونان او و مسئولین ستاد ملی مبارزه با کرونا در یک "هم‌صدایی" مشترک اعلام کردند، ای مردم به داد

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر خجسته باد اول ماه مه

روز اعلام کيفرخواست طبقه کارگر علیه تمام نظم سرمایه‌داری

سرمایه‌داری حاکم را به نمایش گذاشتند. توده‌های مردم در قیام سراسری بار دیگر نشان دادند که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضع موجود را تحمل کنند و برای تغییر و دگرگونی بنیادی آن، به اقدام عملی و مبارزه تا پای جان روی آورده‌اند. به‌رغم گذشت یک سال و نیم از قیام آبان اما تمام شواهد و مختصات دوران پرتلاطم سیاسی کنون حاکی از آن است که جامعه کماکان آستان حوادث و تکان‌های شدید اجتماعی است. تا آنجا که حتی عناصری از درون طبقه حاکم پیوسته از خطرات بروز تکان‌های اجتماعی سخن می‌گویند و به‌صراحت خطر انقلاب را هشدار می‌دهند. تمام راه‌های طبقه حاکم برای حل بحران‌های موجود باشکست روبرو شده‌اند. هیچ اراده‌ای در هیچ سطحی برای پاسخگویی به خواسته‌ها و نیازهای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان وجود ندارد. بیگانه پاسخ ارتجاع حاکم سرکوب و وحشی‌گری بیشتر بوده است. اما سرکوب و وحشی‌گری، نظم موجود را نجات نخواهد داد و تغییری در اجتناب‌ناپذیری انقلاب ایجاد نخواهد کرد.

رفقای کارگر!

انقلاب اجتناب‌ناپذیر است و وظیفه پرولتاریا در انقلاب بسیار مهم و دشوار. چراکه تنها طبقه کارگر است که می‌تواند و باید جنبش‌های اعتراضی توده‌ای جدا از هم را در یک جنبش واحد سراسری به هم پیوند دهد. تنها طبقه کارگراست که به‌عنوان یک نیروی سراسری از اقتدار و توانایی شکل دادن به یک جنبش سراسری برخوردار است. تنها طبقه کارگراست که با متشکل شدن و استفاده از اشکال عمده مبارزه خود از نمونه مبارزات اقتصادی و سیاسی عمومی و سراسری می‌تواند یک جنبش متحد سراسری برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را شکل دهد و انقلاب را به پیروزی برساند. از درون اشکال عالی مبارزه طبقه کارگر است که شوراها به‌عنوان ارگان‌های سیاسی اعمال حاکمیت طبقه کارگر پدیدار می‌شوند، دولت شورایی در برابر عموم توده‌های مردم قرار می‌گیرد و با استقرار حکومت شورایی است که کارگران و زحمتکشان می‌توانند سرنوشت خود را در دست‌گیرند. خوشبختانه شوراها و آلترناتیو شورایی و کارگری طی دو سال گذشته با سرعت شگفت‌انگیزی جای خود را در میان کارگران و زحمتکشان باز و حتی تثبیت کرده است. این موضوع اما از اهمیت اشکال مبارزه کارگری و شکل‌گیری شوراها در جریان این مبارزات نمی‌کاهد. بنابراین طبقه کارگر برای سازمان‌دهی اعتصابات سراسری از هم‌اکنون باید خود را آماده و تجهیز کند. کمیته‌های مخفی کارخانه و کمیته‌های اعتصاب را باید در تمام کارخانه‌ها و صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی ایجاد کرد و از پیوند کمیته‌های اعتصاب در واحدهای مختلف، کمیته هماهنگی اعتصاب در یک‌رشته معین را که از نیازهای مبرم مرحله کنونی جنبش است سازمان داد. بیهی است که در مراحل پیشرفته‌تر، با پیوند کمیته‌های هماهنگی رشته‌های مختلف، می‌توان تشکیلات هماهنگی و کمیته اعتصاب سراسری فرا رشته‌ای را سازمان داد. این وظیفه بسیار مهم و سنگین بردوش پیشروترین و آگاهترین کارگران قرار گرفته است. نفت نخستین گام مؤثر را در این زمینه برداشت که اعتصاب فراگیر مرداد ۹۹ محصول آن بود. اپراتورهای برق فشارقوی، کارگران توزیع برق، کارگران راه‌آهن، مخابرات، پتروشیمی و کارگران فکری در بخش خصوصی آموزش‌وپرورش و برخی کارگران دیگر گام‌های اولیه اما مهمی در این زمینه برداشته‌اند که باید با گام‌های بعدی تکمیل شود. معادن، خودروسازی‌ها، فولاد و سایر بخش‌ها نیز باید در همین مسیر گام نهند.

رفقای کارگر!

با متشکل شدن طبقه کارگر و کاربست اشکال سازمان‌یابی و شیوه‌ها و اشکال مبارزاتی مختص این طبقه و ورود تأثیرگذار آن به صحنه است که می‌توان و باید سایر اقتضات زحمتکش را حول پرچم طبقه کارگر بسیج کرد و پدیدار شدن قیام و انقلاب از درون تلاطم‌های سیاسی را به پیروزی رساند. جز این باشد، تلاطم سیاسی جامعه ولو به قیام و انقلاب منجر شود، قرین پیروزی نخواهد شد. سلاح مبارزاتی بسیار مهم و بُرنده طبقه کارگر اعتصاب است. طبقه کارگر با اعتصاب‌های اقتصادی و سیاسی سرتاسری است که می‌تواند رژیم را به‌طور جدی فلج کند، رهبری تمام جنبش را به دست گیرد، اعتصاب عمومی سیاسی را سازمان دهد و بستر قیام مسلحانه پیروزمند توده‌ای و سرنگونی نظم حاکم را فراهم سازد.

رفقای کارگر!

اول ماه مه را در همبستگی با کارگران سراسر جهان تعطیل کنیم، دست از کار بکشیم و به هر شکل ممکن و ابتکاری این روز را گرامی بداریم. از یاد نبریم که اول ماه مه روز اتحاد بین‌المللی کارگران علیه نظم سرمایه‌داری و اعلام این واقعیت است که برای نجات طبقه کارگر و کل بشریت از شر مصائبی که سرمایه‌داری به بار آورده است، راهی جز سوسیالیسم وجود ندارد.

خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگران

نابود باد نظام سرمایه‌داری - زنده‌باد آزادی زنده‌باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

۲۹ فروردین ۱۴۰۰

پیک چهارم، بحران در مدیریت کرونا

ما برسید که ما "به تنهایی قادر به کنترل و متوقف کردن اپیدمی کرونا در ایران نیستیم". چرا در آن روزها و در آن "دوشنبه‌های سیاه" آبان گذشته وزیر بهداشت، حسن روحانی و ستاد ملی مبارزه با کرونا همانند روزهای اخیر به پر و پای هم نیپچیدند و گریبان همدیگر را نگرفتند؟ روشن است با اوج گیری پیک چهارم، اکنون شیرازه مدیریت بحران کرونا به طور واقعی از دستشان در رفته است. اکنون نه تنها آبرویی برایشان در نزد توده‌های مردم باقی نمانده است، بلکه با علنی شدن اختلافات درونی دیگر قادر نیستند تا سمفونی مرگبار "تک صدایی" ماه‌های گذشته خود را به گوش توده‌های مردم ایران برسانند. اکنون همه دعوی درونی آنان بر سر این است که تحت رسوایی بی‌لیاقتی و بی‌کفایتی شان در مدیریت کرونا آنچنان از بام به زیر افتاده است که هر طرف چاره کار را در مقصر اعلام کردن طرف مقابل می‌داند. در این وضعیت که شکست سیاست‌های کرونایی رژیم، برای همگان روشن شده است، حسن روحانی، برای کتمان شکست مدیریت کرونا، همچنان به دنبال وحدت رویه و اعلام "تک صدایی" در بیان آمار و ارقام جعلی کشته‌شدگان و مبتلایان کووید ۱۹ است. وزیر بهداشت هم از سر استیصال اعلام کرده است: "اینطور نمی‌توان مملکت را اداره کرد. ما در دام یکی از سهمگین‌ترین اپیدمی‌های این مملکت هستیم".

در واقع اکنون بر مجموعه شکست‌های ۱۵ ماهه دولت در مدیریت بحران کرونا، باید ناکامی دولت در واکسیناسیون مردم را نیز اضافه کرد. در چند ماه گذشته، خواست واکسیناسیون رایگان، مطمئن، سریع و همگانی به یکی از مطالبات ضروری مردم ایران تبدیل شده است. مطالبه‌ای که از طرف دولت اساساً جدی گرفته نشده و بی‌توجهی دولت در امر واکسیناسیون و اینکه کمتر از نیم درصد از مردم ایران تا کنون واکسینه شده‌اند، یکی دیگر از علل شکاف موجود بحران در مدیریت کروناست. امری که با توجه به نارضایتی عمومی مردم و نزدیک بودن نمایش انتخاباتی خرداد ماه، بیش از هر مولفه دیگری موجب تعمیق شکاف بحران در مدیریت کرونا شده است.

رژیم جمهوری اسلامی را

باید با یک اعتصاب

عمومی سیاسی و قیام

مسلحانه برانداخت



اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت اول مه

علیه سرمایه داری، زنده باد انقلاب کارگری!

در آستانه اول مه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر، رنج و مصائب نظم کاپیتالیستی بیش از هر زمانی طبقه کارگر را در جهان و در ایران تحت فشار قرار داده است. شکاف فقر و ثروت به عریانترین شکل سیمای دنیای معاصر را ترسیم میکند. سرمایه داری از یک طرف با تحمیل فقر گسترده و در بسیاری کشورها فقر مطلق زندگی اکثریت عظیم صدها میلیونی انسان کارکن و کارگران را در آستانه تباهی قرار داده و از طرف دیگر با تامین شرایط کسب سود نجومی اقلیت سرمایه داران صاحب موسسات کاپیتالیستی تداوم استثمار خشن این نظم وارونه و ضد انسانی را تضمین میکند. دولتهای سرمایه داری حاکم در سراسر دنیا، نهاد کارگزار و حافظ منافع همین سرمایه داران و مستقیماً ضد کارگر و ضد منافع اردوی بی شمار کار هستند. کشمکش روزمره و دایمی کارگران و اردوی کارپاسخی به مصائب گسترده و ناهنجاریهای عمیق ناشی از شکاف پایه ای فقر و ثروت تحمیل شده بر طبقه کارگر و بشریت است.

در سال گذشته و جاری اپیدمی کرونا ابعاد فجایع جاری را به سطح غیر قابل تحمل در سراسر جهان رسانده است. میلیونها انسان را به کام مرگ کشاند و در ابعاد دهها میلیونی به آن مبتلا شده اند. اثرات فاجعه کرونا بر نان و جان و معیشت و سلامت انسان بی سابقه و تکان دهنده است. کرونا بیش از هر واقعه ای بدون نقاب ارجحیت سودپرستی سرمایه داری را بر حیات انسان برملا کرد. ناامادگی و ناتوانی دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه داری، برای مقابله با ویروس کووید-۱۹ نه از سر بی امکاناتی و نداشتن دانش علمی و پزشکی، یا بی اطلاعی از راههای موثر مقابله با یک فاجعه طبیعی و پزشکی، بلکه از سر گردش سرمایه در حوزه های سودورزی نجومی به نفع انباشت سرمایه غیر از عرصه های پزشکی و تامین سلامت و معیشت و رفاه شایسته برای انسان است. هم اکنون تولید و توزیع واکسنهای کرونا به بیزنسهای بزرگ سود ورزی در میان قدرتهای بزرگ و شرکتهای دولتهای سرمایه تبدیل شده و به جای تعاون و همکاری در جهت سرعت عمل سریعتر و با کیفیت تر برای مقابله با ویروس کرونا، رقابت و مانع تراشی در مقابل واکسیناسیون سریع و همگانی به قیمت ادامه مرگ و میرانویه انسانها، جاری است. این حقیقت تلخ نظم وارونه کنونی و اوج ضدیت کارکرد دولتهای سرمایه با حیات انسان است. کارگران و مردم در جهان یکبار دیگر این واقعیت تلخ را تجربه کردند، که این نظام ضد انسانی منشاء فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری و بیماری و عدم تامین معیشت و عدم تامین درمان و امکانات پزشکی برای شهروندان و مانع مقابله موثر با ویروس کرونا است. سرمایه داری نظم استثمارگر و اسارتبار انسانها است که در روز جهانی کارگر بر واژگونی آن پای میفشاریم.

در ایران فقر و گرسنگی، بیکاری و بیماری، عدم تامین معیشت و سلامت بیداد میکند. شرایط زندگی برای اکثریت جامعه یعنی مردم محروم و کارگر و زحمتکش، هر روز و هر ساعت غیر قابل تحملتر میشود. کرونا نیز به گرانی و گرسنگی و سیل و زلزله و کلیه فروشی و سرکوب روزانه اضافه شد. زندگی زیر خط فقر، ابتلای میلیونی به کرونا و مرگ و میر روزمره و نبودن امکانات پزشکی و درمانی و عدم دسترسی به واکسن، مساله عدم تامین معیشت و درمان و واکسن را اکنون به معضل اکثریت عظیم چند ده میلیونی کارگران و مردم ایران تبدیل کرده است. این در شرایطی است که حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و دولت پاسخگوی کمترین نیازهای معیشتی و سلامتی کارگران و مردم نیست. با این شرایط دشوار کارگران به اشکال مختلف برای تحقق مطالبات خود مبارزه کرده و می کنند.

در اول مه امسال رسالت جنبش ما، جنبش طبقه کارگر جهانی و جنبش کارگری ایران به عنوان بخشی از اردوی بین المللی کارگران، برافراشتن رسالت ادعانامه و نقد و اعتراض عمیق علیه عملکرد ضد کارگری و ضد انسانی کاپیتالیسم و حکومتهای سرمایه داری است. با صدای رساتر از همیشه میگویم این نظام صلاحیت اداره جامعه را ندارد و باید برود. کارگران که هر روز چرخهای تولید در جهان را بحرکت در میاورند، هر دقیقه نیازهای میلیاردها بشر را تولید میکنند، خود نیز میتوانند، سرنوشت خود را به دست بگیرند، جامعه را اداره و مدیریت کنند. این نظام شایسته بشر امروز نیست. باید سرنگون شود و به جایش آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی متکی به اداره شورایی جامعه جانشین شود.

اول مه روز اعلام کيفرخواست طبقه کارگر علیه نظم وارونه کاپیتالیستی، روز اعلام اتحاد و همبستگی حول راه حل کارگری و سوسیالیستی نجات بشریت از رنج و درد و مصائب غیر قابل تحمل نظام سرمایه داری است. طبقه کارگر در هر کشور لازمست به ابزارهای موثر نبرد با دولتهای سرمایه داری حاکم مجهز شود. حزب کمونیستی و طبقاتی خود را بعنوان ابزار سازماندهی انقلاب کارگری بسازد. به سازمانهای توده ای پیشبرد مبارزات آبی و آبی و اقتصادی و سیاسی خود متکی شود. شوراها و دیگر ارگانهای عمل مستقیم کارگری و توده ای را سازمان داده و برای بزرگ کردن نظام سرمایه داری و برقراری دولت کارگری شورایی متحد شود.

ما احزاب و جریانات کمونیست و چپ همراه با طبقه کارگر ایران در اول مه امسال، ضمن اعلام همبستگی با دیگر بخشهای طبقه کارگر در جهان، اعلام میکنیم، فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری و تداوم اختناق و سرکوب در جامعه را تحمل نمیکنیم. اعتصابات و اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر بخشهای حق طلب جامعه، علیرغم محدودیتهای کرونایی و سرکوب و زندان و بازداشتهای فعالین کارگری و اجتماعی، تنها گوشه هایی از اعتراضات تلنبار شده در حال فوران علیه وضع موجود و جمهوری اسلامی است. در اعتراضات و مبارزات جاری کارگران بر تامین فوری هزینه لوازم زندگی و معیشت مکفی، درمان، سلامت و واکسیناسیون همه ساکنین کشور تاکید میکنند. کارگران در مقابل دستمزدهای چند بار زیر خط فقر دولتی، به روشنی اعلام کرده اند، حداقل دستمزد نباید کمتر از دوازده و نیم میلیون تومان باشد. به علاوه بر تامین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار، آزادی فوری کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی، بر آزادیهای سیاسی و حق اعتصاب و تشکل و دیگر خواستههای عاجل اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر پافشاری میکند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست اول مه را به طبقه کارگر و همه انسانهای کارکن و معترض به نظم کاپیتالیستی در جهان و ایران تبریک میگوید. به سازماندهندگان اعتصابات و اعتراضات کارگری در سال سختی که گذشت درود میفرستد. با خانواده های کارگری و محرومان و کسانی که قربانی بیماری کرونا شدند، اعلام همدردی میکند. ما از کارگران و رهبران و فعالین پیشرو مبارزات کارگری میخواهیم، با رعایت استانداردهای پزشکی و بهداشتی، با اجتماعات ممکن و ابتکارات متنوع، روز اول مه را گرامی بدارند. در اول مه اعلام کنیم، سرمایه داری مسبب و بانی کلیه مشقات انسانها در کره خاکی است، انقلاب کارگری و سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

زنده باد اول مه

زنده باد اتحاد بین المللی کارگران

سرنگون باد نظام استثمارگر سرمایه داری

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

اردیبهشت ۱۴۰۰ - مه ۲۰۲۱

وقتی که ارتجاع، صدای پای انقلاب را می شنود

همین و بس. تمام اپوزیسیون بازی آن‌ها در همین چهارچوب خلاصه می‌شود. یعنی جمهوری اسلامی بماند و اصلاحات ناچیز در آن صورت گیرد. اما آن‌هایی که خود را رادیکال‌تر جا می‌زنند و شعار گذار از جمهوری اسلامی را سر داده‌اند، به این صراحت از برجای ماندن جمهوری اسلامی دفاع نمی‌کنند. اما همه‌چیز مانده است به مجلس مؤسسان موعود. آن‌ها می‌خواهند با مسالمت و بدون خشونت و احياناً با پادرمیانی و مداخله سازمان ملل، جمهوری اسلامی به خواست مردم تمکین کند و برود. تمام این ادعاها یعنی جمهوری اسلامی بماند و نرود. چون جمهوری اسلامی با سلام‌و‌صلوات رفتنی نیست. این را صدها بار با سرکوب حتی مسالمت‌آمیزترین اعتراضات مردم نشان داده و هر جا هم که لازم بوده با کشتار هزاران تن از مردم ایران اقدام کرده است. برای سازمان ملل هم تره خورد نمی‌کند. اما این‌که چه چیزی باید جایگزین شود، آن‌هم از همان نوع ادعای پوشالی کنار رفتن است. می‌ماند تا روزی که کنار رود. واکنش میلیون‌ها تن از توده‌های کارگر و زحمتکش به این ادعاهای کذائی پوشیده نیست. آن‌ها نشان داده‌اند که نمی‌خواهند از یک سوراخ دو بار گزیده شوند. کمترین توجهی به این آلت‌رناتیو سازی‌های پوشالی نکرده‌اند. لذا برای این ارتجاع مغلوب، آنچه باقی‌مانده است، توسل پی‌درپی به نیروهای نظامی و سرکوب رژیم است که دست‌به‌کار شوند و کشور را از شر انقلاب نجات دهند.

اما تصور نشود که فقط اپوزیسیون‌های بورژوازی رژیم در خارج از کشورند که صدای پای انقلاب را شنیده و به چارمجویی برای مقابله با آن برخاسته‌اند. جناح موسوم به اصلاح‌طلب رژیم در داخل نیز شدیداً نگران است. به روزنامه‌ها و صفحات اینترنتی آن‌ها که نگاه شود، روزمره نوشته‌های متعددی از وخامت اوضاع انتشار می‌یابد، به جناح رقیب هشدار می‌دهند که خطر انقلاب را که هرلحظه نزدیکتر می‌شود، جدی بگیرد. اما از سوی دیگر با مصاحبه‌های پی‌درپی به مردم نیز اندرز می‌دهند که انقلاب فاجعه‌بار است. "دوباره نباید به سمت یک انقلاب دیگر رفت. انقلاب‌ها پرهزینه‌اند، پیامدهای سنگینی دارند" و برای این‌که ظاهراً مردم را بترسانند از جنگ و سوری‌های شدن ایران حر □ می‌زنند. اما اینان گویا هنوز بر این پندارند که می‌توانند نقش‌آفرینی کنند و مردم را فریب دهند. انقلاب، نیاز جبری جامعه ایران است و با حر □ و تهدید کنار نمی‌رود. گوشش به این حر □ ها بدهکار نیست. سال‌هاست که همین به‌اصطلاح اصلاح‌طلبان علیه انقلاب یاوسرایی کردند و گفتند دوران انقلاب‌ها به پایان رسیده است. اما به عینه دیدند که زور شرایط عینی، بحران‌ها و تضادها بیش از آن است که تصور می‌کردند. دیدند که بار دیگر دوران انقلابی از سال ۹۶ با یک‌رشته مبارزات پرادمانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی گردید. دیدند که بار دیگر مردم در آبان ۹۸ به قیام روی آوردند و قبل از همه نهادها و

ارگان‌های نظامی، امنیتی و مذهبی رژیم را موردحمله قراردادند. انقلاب زورش بیش از آن است که با هشدار و تهدید عقب‌نشینی کند. مردم ایران آشکارا نشان داده‌اند که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند به شیوه گذشته زندگی کنند و طبقه حاکم نیز نشان داده است که دیگر نمی‌تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. این‌همه بدان معناست که تغییر ناگزیر است. بنابراین اصلاح‌طلبان درون طبقه حاکم در داخل که می‌بینند اوضاع دارد به‌کلی از کنترل خارج می‌شود و ممکن است همه‌چیز بر باد رود، آن‌ها هم با پلاتفرم جدیدی به صحنه آمده‌اند. از آنجائی که خودشان هم می‌دانند که جناح موسوم به اصلاح‌طلب در میان مردم رسوا و بی‌اعتبار است و دیگر نمی‌توان با شیوه‌های منسوخ پیشین سر مردم کلاه گذاشت، ظاهراً با ادعای اعتراض به اصلاح‌طلبی به میدان آمده‌اند. از آنجائی که دیگر حتی یک شخصیت تأثیرگذار که اندکی حتی در میان قشر متوسط پایگاه سابقشان اعتبار داشته باشد، ندارند، به ناگزیر دختر یکی از جنایتکاران سرشناس جمهوری اسلامی و عضو کارگزاران سازندگی را با هیاهو و بسیج تمام نیرویشان برای حضور در کلاب هائوس به صحنه فرستادند تا اعلام کنند که اصلاح‌طلبی گذشته با رسوایی روبه‌رو گشت، اما اصلاح‌طلبی جدیدی به صحنه آمده است که نماینده و سخنگوی آن‌هم این خام است.

ایشان در صحبت‌های خود عنوان کردند که از نوع اصلاح‌طلب معترض است. اعتراض وی به اصلاح‌طلبان از آن‌روست "که برای ماندن در قدرت شاخصه‌های اصلاح‌طلبی را رها کرده‌اند. در مسیر اصلاحات حرکت نکرده و نخواهند کرد." او حالا برای این‌که از نوع "اصلاح‌طلب" جدید باشد، اعلام می‌کند که او هم در خیمه‌شب‌بازی انتخاباتی رژیم شرکت نمی‌کند و رأی نخواهد داد.

"تا کی بین بد و بدتر می‌خواهیم انتخاب کنیم؟ بد و بدتری که ۲ درصد در عملکردشان باهم تفاوت دارند." "عجب! پس ایشان براین باور است که دیگر نباید بین بد و بدتر یکی را انتخاب کرد، فراتر از آن باید انتخابات قلابی را تحریم کرد. اما کمی بعد، برای این‌که کسی دچار این توهم نشود که گویا وی جداً مخالف جمهوری اسلامی و انتخاب میان بد و بدتر است می‌گوید: "بارای ندادن می‌خواهیم اعتراض کنیم، چون اعتراض‌های خیابانی همه سرکوب می‌شود و شاید رأی ندادن تلنگری برای مسئولان حکومتی باشد تا رفتار و سیاست‌هایشان را بازبینی کنند یا برای اصلاح‌طلبان که در مسیر اصلاح‌طلبی قدم بردارند." پس ماجرای رأی ندادن و تحریم، اعلام جنگ به حکومت نیست، بلکه تلنگری است به مسئولان حکومتی که رفتار و سیاستشان را بازبینی کنند و ایضاً تلنگری است به "اصلاح‌طلبان" اسبق که در مسیر اصلاح‌طلبی گام بردارند.

اما پلاتفرم اصلاح‌طلبی جدید، دیگر چه می‌گوید؟ برای این‌که ادعا کند حرفی هم از مردم زده است عوام‌فریبانه سعی می‌کند خود را طرفدار حقوق و

مطالبات زنان جا بزند. اما چرا عوام‌فریبانه؟ به این دلیل ساده که سوگند یاد می‌کند هم طرفدار نظام ولایت‌فقیه است، البته نه از نوع مطلقه آن و هم حکومت اسلامی. پوشیده نیست که هر دولت دینی آن‌هم از نوع ولایت‌فقیهی آن، دشمن آشتی‌ناپذیر حقوق و مطالبات زنان است. بنای دولت دینی اسلامی بر نابرابری زن و مرد گذاشته‌شده است.

نیازی نبود که پلاتفرم "اصلاح‌طلبی" جدید وقتی که هد □ و آرمانش را دولت دینی تحت زعامت ولی‌فقیه اعلام کرد، لگدی هم به براندازی و انقلاب بیاندازد. اما به خاطر محکم‌کاری اعلام می‌کند "قطعاً مخالف انقلاب" است و "تغییر در همین نظام را سودمندتر از براندازی می‌داند."

جالب‌تر از تمام این ماجراها این است که "اصلاح‌طلبی" جدید در نهایت اعلام می‌کند: این شجاعت را دارد که اگر در "دو ماه آینده کسی بیاید که بتواند شاخصه‌های اصلاح‌طلبی را داشته باشد" ارزیابی‌اش را تغییر می‌دهد. حالا "اصلاح‌طلب" جدید چه باید بکند که نشان دهد شاخصه "اصلاح‌طلبی" را داراست؟ پاسخ چنین است: "با کشورهایی که بیهوده با آنان قطع ارتباط کرده‌ایم" ارتباط برقرار کند. منظور ایشان هم البته در وهله نخست، آمریکا است که بتواند منافع اقتصادی و سیاسی سرمایه‌دارانی را که او و حزب خانوادگی‌اش را نمایندگی می‌کند، تأمین کند. از همین زاویه نیز بود که اصلاح‌طلب جدید، سابق بر این، یکی از طرفداران رسوای رئیس‌جمهوری نژادپرست و فوق‌ارتجاعی آمریکا، ترامپ بود.

پی آمد این صحبت‌ها که "اصلاح‌طلب" جدید خودش آن‌ها را اراجیف نامید، هیاهویی بود که دارو دسته‌های "اصلاح‌طلب"، نشریات و صفحات اینترنتی آن‌ها به راه انداختند و تلویزیون‌های وابسته به ارتجاع جهانی میزگردهای متعدد برپا کردند تا مفسران آن‌ها، شجاعت و گام‌های مثبت "اصلاح‌طلب" معترض را بستابند و آلت‌رناتیو جدیدی به کلکسیون آلت‌رناتیوهای قبلی برای مقابله با انقلاب بیفزایند.

اما این مورد نیز همانند موارد پیشین چیزی جز طوفان در لیوان آب نیست. پلاتفرم "اصلاح‌طلبی" جدید هم بیان چیز دیگری جز این نیست که جریان موسوم به اصلاح‌طلب رژیم نیز صدای فرارسیدن طوفان را شنیده است. مبارزات توده‌های زحمتکش مردم ایران بیش از آن پیشرفته و اوضاع سیاسی بحرانی‌تر از آن است، که این بازی‌ها بتواند نقش بازی کند، مردم را فریب دهد و جلو سبیلی را که به راه افتاده است بگیرد. مردم ایران با مبارزات خود نشان داده‌اند که خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی در کلیت آن با تمام جناح‌های آن هستند. هیچ‌چیز نمی‌تواند جز انقلابی که رهبر و پیشوای آن طبقه کارگر باشد و نخستین وظیفه آن درهم شکستن تمام دستگاه دولتی موجود و استقرار یک حکومت شورایی، بحران‌ها و تضادهای جامعه موجود را حل کند و مردم ایران را بر سرنوشت خود حاکم سازد.



وقتی که ارتجاع، صدای پای انقلاب را می شنود

شاهزاده هم در یک لحظه موقتاً جمهوری خواه شد تا بازار نه به جمهوری اسلامی گرمتر شود. حالا همین ها گویا طرفدار تحریم انتخابات نیز شده اند تا مردم باور کنند آن ها جداً خواستار رفتن جمهوری اسلامی اند. گردانندگان پشت صحنه تمام این ماجراها را که نگاه کنی، اکثریت بسیار بزرگ آن ها کسانی هستند که از درون خود رژیم بیرون آمده اند، سال ها با جمهوری اسلامی همکاری داشته و حالا در نقش اپوزیسیون بورژوائی به تکاپو افتاده تا در واپسین روزهای حیات این نظام ستمگر، دین خود را به نظم حاکم ادا کنند، وظیفه خود را در پاسداری از نظم موجود به شکلی دیگر انجام دهند و مانع از وقوع

انقلابی گردند که طومار نظم موجود را در هم خواهد پیچید. آن ها به رغم هر ادعائی که داشته باشند، هیچیک حتی خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی نیستند. این نزدیکتر شدن طوفان انقلاب است که آن ها را به تکاپو واداشته است. در میان آن ها، گروه هایی که صریحتر حر □ میزنند، آشکارا عنوان می کنند که تغییر ناگزیر است، اما سیستم دولتی موجود نباید فروپاشد. دولت با تمام ارگان های پلیسی، امنیتی و نظامی اش باید حفظ شود. آنچه آن ها می خواهند و صریحاً اعلام کرده اند، ادغام سپاه پاسداران در ارتش است. در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید. شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

https://t.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 916 April 2021



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان های زحمتکش، شریف و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می شود.

مشخصات ماهواره های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی